



تحلیلی برمبانی علامه سنقری حائری
دکتر محمد فراهانی / دکتر فریدون محمدی فام / دکتر سیدمجید نبوی
علمی - پژوهشی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال نوزدهم، شماره ۷۶ «ویژه پژوهش های حدیثی»، پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۲۲-۱۴۴

تحلیلی برمبانی علامه سنقری حائری در رد نظریه کشف حجاب مخدرات امام حسین علیه السلام بعد از عاشورا

دکتر محمد فراهانی^۱ / دکتر فریدون محمدی فام^۲ / دکتر سیدمجید نبوی^۳

چکیده:

این مقاله تحلیل و نقدی است بر نظریه‌ی کشف حجاب مخدرات اهل بیت امام حسین علیه السلام در رساله العاصمیه که علامه شیخ محمد علی سنقری حائری در سال ۱۳۲۷ ق به پایان رسانده است. علامه سنقری در این رساله به نقد و بررسی روایات ابی مخنف، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید بن طاووس و علامه مجلسی مربوط به ربودن حجاب زنان اهل حرم کربلا می پردازد و کشف شعور بنات الرسول صلی الله علیه و آله را محال و با غیرت، حکمت و شریعت الهی و عصمت حضرت زینب علیه السلام معارض دانسته و دلایلی چون: آماده بودن اهل بیت امام علیه السلام برای اسارت و جدا کردن حلل و زیور از خود، مانعیت هیبت و سطوت زینب کبری علیه السلام از این امر و اقامه شواهدی بر روپوش داشتن کجاوه های آل الله را دال بر عدم تمکین اجانب از دیدن وجه و شعرپردگیان عصمت و رسالت، دانسته است. در این پژوهش سعی شده، پس از بررسی سندی روایات مشتمل بر کشف رأس بنات رسول الله صلی الله علیه و آله، ادله عقلی و ادله نقلی این دسته از روایات، نقادی گردیده، سپس معنای لغوی اسباب حجاب آل الله و معنای مجازی و کنایی تعبیر مفید چهره گشایی اهل حرم امام حسین علیه السلام، مورد کند و کاش و در نتیجه، نظریه ی علامه سنقری حائری، مبنی بر عدم امکان کشف رأس، مورد تایید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، عاشورا، کربلا، مخدرات، کشف حجاب، غارت خیام

۱. استادیار سازمان بسیج مستضعفین مدیرتعلیم و تربیت، سازمان بسیج مستضعفین مدیرتعلیم و تربیت.

۲. سایر جهاد دانشگاهی، جهاد دانشگاهی.

۳. دبیر گروه قرآن و حدیث سازمان سمت.



۱. مقدمه

برمبنای آنچه که از روایات و اخبار رسیده از آل محمد صلی الله علیه و آله به دست می آید، بعد از ادای واجبات، هیچ عملی در عظمت و شرافت به پایه‌ی احیای امر اهل بیت علیهم السلام خصوصاً اقامه‌ی عزای ابا عبدالله الحسین علیه السلام نمی‌رسد؛ چنانکه حضرات معصومین علیهم السلام خود، بنیانگذار این امر بوده و بر آن اهتمام و تأکید داشته‌اند و در تاریخ، نوحه‌سرایی، توصیه به اقامه‌ی عزای سیدالشهداء علیه السلام و ذکراهمیت و ثواب آن توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱، ۲۳۹)، امیرالمؤمنین علیه السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۵۹۷-۵۹۸)، حضرت زهرا علیها السلام (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴، ۶۳)، امام حسن علیه السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۱۵-۱۱۶)، امام سجاد علیه السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۷)، امام باقر علیه السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۴)، امام صادق علیه السلام (کشی، ۱۳۴۸: ۲۸۹)، امام کاظم علیه السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۲۸)، امام رضا علیه السلام (همان، ۱۲۹-۱۳۰)، امام عسکری علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۱: ۲، ۸۲۶) و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۰۴-۵۰۵)، مکرر ثبت و ضبط گردیده است. قطع نظر از اجراخوری برپایی مجالس سیدالشهداء علیهم السلام، که در این روایات بر آن تأکید شده است، آثار وضعی و فواید دنیوی زیادی بر آن مترتب است که همین امر، اهتمام پیوسته‌ی شیطان و جنود او را در سلب توفیق و ایجاد اختلال در بهره‌مندی مؤمنین از این عبادت شریف و عظیم، باعث گردیده است؛ چنانکه در برخی از مرثیه‌سرایی‌ها به بعضی از اخبار شاذ و نقل‌های نادر پرداخته می‌شود که از ساحت انوار مقدس اهل بیت علیهم السلام دور است؛ مانند نسبت دادن گشودگی مو و صورت از مخدّرات حرم امام حسین علیه السلام در میان نامحرمان که با شئون آل عصمت منافات دارد. از منظر علامه سنقری، اگرچه عقلاً و عادتاً صدور ظلم از ظالم نسبت به آل عصمت محال و ممتنع نیست، لکن اینکه خداوند متعال چنین ظلمی را نسبت به حرم وحی و رسالت تمکین نماید عقلاً ممتنع است. وقتی در بین مقاتل و نقل‌های عاشورایی چنین اخبار و مطالبی، باعث شبهه افکنی برخی مغرضان و شیوع سؤال برخی مؤمنان گردید، آیت الله شیخ محمد علی سنقری برمبنای تکلیف، رساله‌ای در بیان صحیح نبودن این نسبت‌ها و منافات آن با خصوصیات آل الله علیهم السلام و شنیع بودن شهرت این نقل‌ها به تحریر



درآورد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰). علامه سنقری حائری، این کتاب را با عنوان «العاصمیه» در اثبات عصمت خاندان وحی و پاسخ به شبهاتی که با شئون آن ذوات مقدسه سازگاری ندارد، به زبان عربی انشاء و سپس خود، آن را ترجمه نمود که نسخه‌ی خطی آن توسط روح الله عباسی تصحیح و تحقیق و با عنوان «چهره‌گشایی دختران امام حسین (علیه السلام)» در سال ۱۳۸۱ ش به چاپ رسیده است. درباره‌ی موضوع این پژوهش، کتاب یا مقاله‌ای که به آن پرداخته باشد، یافت نشد و اساساً آثار آیت الله سنقری حائری، که بالغ بر بیست اثر می‌باشد، به صورت خطی باقی مانده است و امید است این پژوهش، قدمی در معرفی این چهره‌ی ناشناخته شیعه و زمینه‌ساز پژوهش‌های گسترده‌تر در آثار ایشان، خصوصاً موضوع کشف حجاب مخدرات حرم امام حسین (علیه السلام) باشد.

۲. نقد و بررسی سندی کشف حجاب مخدرات از منظر علامه سنقری حائری

کشف حجاب بنات رسول الله (صلی الله علیه و آله) از منظر علامه سنقری عقلاً ممتنع و با حکمت الهی و شرع مبین تعارض دارد و اساساً صورت و موی پردگیان آل عصمت از نظر ا جانب و نامحرمان پنهان مانده است و این نقل‌ها منتقل از منابع و مآخذ عامه هستند (همان، ۱۴۹). در ادامه به ذکر نقل‌های ابومخنف، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید بن طاووس و علامه مجلسی در این زمینه می‌پردازیم و ادله‌ی نافی ادعای کشف رأس مخدرات را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱. بررسی سندی روایت ابومخنف در کشف رأس

در مقتل منتسب به ابومخنف از قول حضرت زینب (علیه السلام) آمده است: «...كنت في ذلك الوقت واقفة في الخيمة، إذ دخل رجل أزرق العينين... وأخذ القناع من رأسي...» (ابومخنف، بی تا: ۹۷-۹۸) که در آن به غارت مقنعه و گوشواره‌ی آن حضرت اشاره دارد. در بحار الانوار چنین ماجرای در مورد حضرت ام کلثوم (علیه السلام) نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵، ۶۰). در این باره، اسفراینی شافعی اشعری (م ۴۱۷ ق) از قول حضرت زینب (علیه السلام) می‌نویسد: «...و نظر الی قرط کان فی اذنی فعالجہ و قرضه باسنانه...» (اسفراینی، بی تا: ۱، ۵۳)



علامه سنقری در نقد و بررسی این نقل، به ضعف سندی آن اشاره می‌نماید کما اینکه بین منابع متقدم و معتبر اثری از این نقل نیست و در روایاتی که در کتب معتبره به نقل از ابومخنف آمده است چنین خبری یافت نشد و این نقل تنها در نسخه‌ی مقتل منسوب به ابومخنف آمده است که پژوهشگران تاریخ عاشورا آن را ضعیف و غیر قابل استناد می‌دانند (ن.ک: شرف الدین، بی تا: ۴۱-۴۲؛ قمی، ۱۳۷۹: ۱۰). منبع متقدم دیگر و متضمن این نقل به وجه اقباح و اشنع، کتاب نورالعین فی مشهد الحسین علیه السلام است که برخی از محققان اساساً آن را ساختگی و منسوب به ابواسحاق اسفراینی دانسته‌اند (ن.ک: گروهی از تاریخ پژوهان، ۱۳۹۱: ۱، ۱۳۵-۱۳۷) و بسیاری از گزارش‌های آن ساختگی، سخیف و ضعیف‌السنندند (ن.ک: قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۳۵۲).^۱

سال نوزدهم، شماره ۱۶، پاییز ۱۴۰۱

۲-۲. بررسی سندی روایت شیخ صدوق از فاطمه بنت الحسین علیه السلام در کشف رأس نقل دیگری که درباره‌ی کشف رأس از مخدرات آمده است روایت شیخ صدوق است در أمالی که ضمن آن آمده است: «... دَخَلَتِ الْعَانِمَةُ عَلَيْنَا الْفُسْطَاطَ وَأَنَا جَارِيَةٌ صَغِيرَةٌ وَفِي رِجْلِي خَلْخَالَانِ مِنْ ذَهَبٍ فَجَعَلَ رَجُلٌ يَفْضُ الْخَلْخَالَيْنِ مِنْ رِجْلِي... وَانْتَهَبُوا مَا فِي الْأُبْنِيَةِ حَتَّى كَانُوا يَنْزِعُونَ الْمَلَحِفَ عَنْ ظُهُورِنَا» (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۶۴-۱۶۵) و در آن به غارت خلخال از ایشان و غارت ملاحف از سرزن‌ها اشاره شده است. در بررسی روایان این سلسله:

«مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ»، امامی وثقه جلیل (حلی، ۱۴۰۲: ۱۴۹)،
«عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيٌّ»، امامی وثقه علی التحقیق (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۳)،
«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ»، امامی، ثقة جلیل (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶)،
«مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ»، امامی وثقه (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۳)، اگرچه نجاشی او را «ضعیف فی الحدیث» دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۵).

۱. متن اصلی مقتل ابی مخنف، بعد از قرن چهارم از بین رفته است و هم اکنون دو نسخه‌ی مقتل به این نام شهرت دارد؛ یکی از این نسخه‌ها، کتابی غیر معتبر است که احتمالاً در قرن ششم جعل شده است (اسفندیاری، ۱۳۹۱: ۴۲) و دیگری نسخه‌ای بازسازی شده از طریق جمع‌آوری نقل‌های طبری، شیخ مفید و... از ابومخنف است که معتبر و قابل استناد است (ابومخنف، ۱۳۸۰: ۱۱).

«مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ»، که بین علمای رجال درباره‌ی او اختلاف نظر دیده می‌شود، با عباراتی چون: ضعیف (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۴)، کذاب (کشی، ۱۴۰۴: ۲، ۸۲۳)، فی بعض روایات غلو و تخیل (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۶)، توصیف کرده‌اند و برخی نیز او را ممدوح الروایه (کشی، ۱۴۰۴: ۲، ۷۹۲) و امامی صحیح المذهب (همان، ۷۹۶) دانسته‌اند. «أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُثَنَّرِ» که او را مذموم فی الروایه (همان، ۴۹۸)، زیدی (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۶)، دانسته‌اند.

«عَبْدُ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ [الْحَسَنِ]» که صرفاً در کتب رجالی به زیدی مذهب بودن او اشاره شده است (کشی، ۱۴۰۴: ۲، ۶۳۲).

با توجه به آنچه در بررسی راویان این روایت بیان گردید، در ارزیابی کلی، این روایت از حیث اتصال، «موقوف»، که از اقسام حدیث ضعیف است و از نظر سند، ضعیف مهمل محسوب می‌شود؛ چه اینکه در مورد راوی آخرین حدیث در کتب رجالی مدح و ذمی وارد نشده است.

۲-۳. بررسی سندی روایت حمید بن مسلم در کشف رأس

علامه سنقری روایت دیگری را از حمید بن مسلم نقل می‌کند که با بررسی آن بین متون مختلف مقتل دانسته می‌شود که آن را ابومخنف به نقل از «صقعب بن زبیر» از «حمید بن مسلم» روایت کرده است. در این روایت آمده است: «... فَأَوَّاهُ لَقَدْ كُنْتُ أَرَى الْمَرْأَةَ مِنْ نِسَائِهِ وَبَنَاتِهِ وَأَهْلِهِ تُنَازِعُ ثَوْبَهَا عَنْ ظَهْرِهَا حَتَّى تُغْلَبَ عَلَيْهِ...» (مفید، ۱۴۱۳: ۲، ۱۱۲). در بررسی رجالی راویان این روایت، مشاهده می‌شود که نجاشی و حلی، راوی اول این نقل یعنی ابومخنف را «ثقه» دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱، ۳۲۰، حلی، ۱۴۰۲: ۱۳۶). و اما راوی دیگر «صقعب بن زبیر ازدی» که مورد اعتماد جارحین و معدلین بوده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵: ۴، ۴۳۲) و نهایتاً راوی اصلی این روایت «حمید بن مسلم» که به عنوان «اصحاب علی بن الحسین (علیه السلام)» (طوسی، ۱۴۲۷: ۱۱۲) یاد شده و گفته‌اند در سپاه توابعین حضور داشته است (سید بن طاوس، ۱۴۲۲: ۱۶۷)؛ لکن علامه مامقانی درباره‌ی او می‌گوید: «ظاهراً امامی است اما حالش مجهول است» (مامقانی، بی تا: ۱، ۳۸۰). ناگفته نماند که

به نوشته‌ی فارس تبریزیان (حسون) در پاورقی لهوف، در تاریخ، دو نفر به این نام بوده‌اند که یکی از آن‌ها همین حمید بن مسلم شناخته شده است که در کربلا در سپاه عمر سعد حضور داشته و از حاملان رأس مطهر امام حسین علیه السلام به کوفه بوده و دیگری امامی و از اصحاب امام چهارم بوده و در قیام توابین حضور داشته است (ن.ک: سید بن طاووس، ۱۴۲۲: ۱۶۷). با توجه به آنچه بیان شد این روایت ضعیف به شمار می‌رود چه اینکه اگر منظور از حمید بن مسلم، شخص اول باشد که شروخی در احوال او در بیان علما آمده؛ از یاران ابن سعد بوده است و مورد اعتماد نمی‌باشد و اگر شخصیت دوم مراد باشد، مجهول است و گزارش معتبری از او در تاریخ، مکتوب نیست (ن.ک: نمازی، ۱۴۱۴: ۳، ۲۸۹).

۲-۴. بررسی سندی روایت فاطمه صغری علیه السلام در کشف رأس

علامه مجلسی در بحار روایتی را با جمله «رأیت فی بعض الكتب» در شرح ماوقع در غارت خیام از قول فاطمه صغری علیه السلام نقل می‌کند که در آن آمده است: «... فإذا برجل علی ظهر جواده يسوق النساء بكعب رمحه ... فخرم أذني وأخذ قرطي و مقنعتي ... قلت يا عمتاه هل من خرقة أستر بها... فقالت يا بنتاه و عمتك مثلك فرأيت رأسها مكشوفة...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۴۵، ۶۰-۶۱). این روایت با عبارات «قد أخذ ما عليهن من أخمرة وأسورة» به کشف حجاب از زنان، با جمله «أخذ قرطي و مقنعتي» به غارت حجاب فاطمه صغیره علیه السلام و با عبارات «فرأيت رأسها مكشوفة» به کشف رأس حضرت زینب علیه السلام اشاره دارد. در جستجوی منابع تاریخی این روایت، تنها منتخب طریحی^۱ به عنوان منبع علامه مجلسی یافت شد و در بررسی سندی، این روایت مجهول است و مدرک و سندی ندارد و چنانکه علامه مجلسی آن را با تعبیر «رأیت فی بعض الكتب» نقل کرده، شیخ طریحی نیز این نقل را با عبارت «حکی» (طریحی، ۱۴۲۴: ۱۸۴) آورده است که نشانه بی سند بودن آن است.

۲-۵. بررسی سندی کشف رأس از زینب کبری علیه السلام

طریحی در منتخب درباره‌ی ورود زینب کبری علیه السلام به دارالاماره کوفه نقلی دارد که طی

۱. شیخ طریحی این روایت را در صفحات ۱۸۴-۱۸۵ نقل کرده است.

آن به کشف رأس از آن حضرت اشاره کرده است: «...دخلت... زینب بنت علی و هی متنکرة و علیها أرذل ثیابها... و تستروجهها بکمها لأن قناعها أخذ منها...» (طریحی، ۱۴۲۴: ۴۶۵-۴۶۷). در تطبیق این نقل با مآخذ متقدم به دست آمد که در نقل این روایت، طبری، ابن اعثم کوفی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید بن طاووس و دیگران به عبارات «و تستروجهها بکمها لأن قناعها أخذ منها» که دال بر کشف رأس زینب کبری علیها السلام است متعرض نشده اند (ن.ک: طبری، ۱۳۸۷: ۵، ۴۵۷؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵، ۱۲۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۰، ۱۶۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲، ۱۱۵؛ سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۶۰؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۲، ۶۳) و تنها اثری که در آن به این مضمون اشاره شده است مقتل ابومخنف (مشهور) است^۱ و چنانکه در مباحث قبل بیان شد پژوهشگران تاریخ عاشورا آن را ضعیف و غیر قابل استناد می دانند (ن.ک: شرف الدین، بی تا: ۴۱-۴۲؛ قمی، ۱۳۷۹: ۱۰). علاوه بر آنچه بیان شد این روایت مجهول و بدون مدرک و سند است؛ چه اینکه در المنتخب و مقتل ابومخنف (مشهور)، برای آن سندی ذکر نشده است. ناگفته نماند، این نقل طریحی با جملات قبلی او تناقض دارد؛ چون در ابتدای ذکر مآوقع ورود کاروان امام حسین علیه السلام به کوفه، می نویسد: «...فالتفتت زینب فرأت رأس أخيها فنطحت جبینها بمقدم المحمل حتی رأینا الدم یخرج من تحت قناعها...» (طریحی، ۱۴۲۴: ۴۶۵) و طی آن به بیتابی حضرت زینب علیها السلام از دیدن سر امام حسین علیه السلام و زدن پیشانی به محمل و جاری شدن خون از زیر قناع ایشان اشاره می کند؛ در حالیکه در ادامه ی نقل خویش با عبارات «تستروجهها بکمها لأن قناعها أخذ منها» (همان، ۴۶۷) به بدون قناع بودن آن حضرت تصریح می کند. با توجه به دلایل پیش گفته این روایت از اخبار ضعیف و غیر قابل استناد محسوب می شود^۲.

۱. در مقتل منسوب به ابی مخنف آمده است: «... وجعل یدخلون السبایا علی ابن زیاد لعنه الله... و كانت زینب علیها السلام قد أخذ قناعها، و قرطاهها و هی ناشرة الشعر، و هی تستر رأسها بکمها...» (ابومخنف، بی تا: ۱۰۵).

۲. به دلیل اشکالات سندی و متنی که در این نقل وجود دارد، روایت مسلم جصاص از اخبار ضعیف محسوب می شود و از جانب محدثانی چون شیخ عباس قمی مورد تشکیک قرار گرفته است (قمی، ۱۴۲۲: ۱، ۷۲۹).

۲-۶. نقد روایت منقول از ام کلثوم علیها السلام در نگاه نامحرمان به بنات الرسول صلی الله علیه و آله

سید بن طاووس و ابن نما حلی در روایتی آورده‌اند: قَالَ الرَّأْي: «... فَلَمَّا قَرَّبُوا مِنْ دِمَشَقٍ دَنَتْ أُمُّ كَلْثُومٍ مِنْ شِمْرِ... فَقَالَتْ لَهُ... إِذَا دَخَلْتَ بِنَا الْبَلَدَ فَأَحْمِلْنَا فِي دَرْبٍ قَلِيلٍ النَّظَارَةَ... فَقَدْ خُزِينَا مِنْ كَثَرَةِ النَّظَرِ إِلَيْنَا وَنَحْنُ فِي هَذِهِ الْحَالِ...» (سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۷۵؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۹۷) که بعضی از اهل منبر و روضه، از عبارات این نقل بدون حجاب بودن وجه و رأس مخدرات را استنباط کرده‌اند. در بررسی سند این روایت لازم به ذکر است که سید بن طاووس و ابن نما حلی بدون ذکر راوی، خبر را نقل کرده‌اند و در تطبیق این روایت با منابع متأخری چون المنتخب (طریحی، ۱۴۲۴: ۲۸۳)، به نام «سهل بن سعد ساعدی» برمی‌خوریم که اگرچه از نظر طبقه‌ی راویان، از صحابه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام محسوب می‌شود (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۰ و ۶۶) لکن در مورد او مدح و یا ذمی به ثبت نرسیده است و به همین جهت این خبر، ضعیف مهمل است.

۲-۷. بررسی سندی روایت صدوق در تعبیر «مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ»

شیخ صدوق روایتی را به صورت مُسند از حاجب عیدالله بن زیاد نقل کرده است که به ورود اهل بیت امام حسین علیه السلام به شام اشاره دارد؛ در حالی که حجابی به صورت نداشته‌اند. در این نقل آمده است: «... فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشَقَ أُذْخِلَ بِالنِّسَاءِ وَالسَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۶۵). در بررسی سندی این روایت قابل ذکر است:

«مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِي» امامی و از مشایخ صدوق است لکن وثاقت او ثابت نیست (خوئی، ۱۳۷۲: ۱۵، ۲۳۱).

«عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنِ يَحْيَى الْجَلُودِي» و «مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ الدِّينَارِ الْغَلَابِي»؛ از جانب رجال یون توثیق شده‌اند (ن.ک: طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۰ و ۳۴۶).

درباره «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ» نوشته‌اند «روی مضمره» (خوئی، ۱۳۷۲: ۲، ۳۳۰) که از

اسباب ضعف اوست^۱ (ن.ک: موسوی عاملی، بی تا: ۲، ۲۵۲) و شرحی از او در کتب رجالی یافت نشد.

و اما دوراوی آخرین نقل: «أَبُو نُعَيْمٍ» و «حَاجِبُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ»، که هر دو مجهول و در کتب رجالی از آن ها شرحی به دست نیامد.

با توجه به آنچه در نقد راویان این نقل بیان گردید، در ارزیابی کلی، این روایت از حیث اتصال، «مُسند» ولی از حیث سند، به جهت مجهول بودن دوراوی آخر آن، ضعیف مهمل است و علامه سنقری درباره آن می نویسد: «بس است از ضعف منقول، مجهول بودن منقول عنه» (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۹۵).

۳. نقد و بررسی متنی کشف حجاب مخدرات از منظر علامه سنقری حائری

با توجه به اینکه علامه سنقری متون روایات مربوط به کشف حجاب مخدرات را با دو ملاک ادله ی نقلی و ادله ی عقلی مورد بحث و بررسی قرار می دهد؛ در این قسمت از بحث ابتدا به ادله ی عقلی در رد کشف رأس از حرم امام حسین علیه السلام و سپس به ادله ی نقلی آن می پردازیم.

۳-۱. ادله ی عقلی^۲ نافی کشف رأس از بنات رسول الله صلی الله علیه و آله

۳-۱-۱. تعارض با غیرت الهی

برای اثبات مغایرت کشف رأس از بنات رسول الله صلی الله علیه و آله با غیرت الهی دو مقدمه لازم است که عبارت است از: اثبات عصمت حضرت زینب علیه السلام و دیگری اثبات غیور

۱. حدیث مُضْمَر حدیثی است که در آن راوی، نام معصوم علیه السلام را ذکر نکرده و روایت را با ضمیر غائب با عباراتی چون: «کُتِبَتْ إِلَيْهِ» یا «سَأَلْتُهُ» نقل کرده است (مامقانی، ۱۴۱۱: ۳۳۲). اساساً اضممار باعث ضعف حدیث می شود مگر این که نقل کنندگان آن از راویان جلیل القدری چون: «محمد بن مسلم» و «زراره» باشند (ن.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۸۹).

۲. در بررسی و نقد روایات براساس عقل، از روشهایی چون: عدم تعارض با عقل، عدم تعارض با واقعیت های تاریخی، عدم تعارض متون مشترک المضمون در این زمینه با یکدیگر، عدم تعارض با اصول اعتقادی و عدم دواعی جعل حدیث، که به عنوان روشهای نقد متن حدیث براساس ادله عقلی بیان شده است (ن.ک: فتح اللهی، ۱۳۹۴: ۵۰)، بهره خواهیم گرفت.



بودن خداوند متعال؛ لذا بعد از این مقدمات به ذکر ادله‌ی عقلی در اثبات این تعارض می‌پردازیم.

۳-۱-۱-۱. اثبات عصمت حضرت زینب علیها السلام

علامه سنقری قائل است: آیه‌ی تطهیر (احزاب، ۳۳) علاوه بر دلالت بر عصمت اهل بیت علیهم السلام (ن.ک: سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۳، ۱۳۴-۱۳۵)، بر عصمت دیگر اولاد بطن حضرت زهرا علیها السلام، از جمله حضرت زینب علیها السلام دلالت دارد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۲-۵۴)؛ چه اینکه روایتی مُسند از «حَسَنُ بْنُ مُوسَى بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءُ الْبَغْدَادِي» نقل شده که در آن امام رضا علیه السلام فرمودند: «...إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ فَوَاللَّهِ مَا ذَاكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَوُلْدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً...» (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۲، ۲۳۲). نیز روایت دیگری که شاهد بر عصمت زینب کبری علیها السلام است؛ روایتی مرسل^۱ از «حَدَّثَنَا بْنُ شَرِيكِ الْأَسَدِيِّ»، به نقل از امام سجاد علیه السلام است که، پس از خطبه‌ی قراء ایشان در کوفه می‌فرمایند: «يَا عَمَّةُ... وَأَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفْهَمَةٍ...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲، ۳۰۵). این روایت به جهت اینکه به انکشاف تام حقایق همه‌ی اشیاء برایشان، بدون نیاز به معلم و مُفَهِّم اشاره دارد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۷)، شاهی بر عصمت آن حضرت است. دلیل دیگر بر عصمت زینب کبری علیها السلام این است که بنا بر نقل شیخ صدوق، مرجع وصیت امام حسین علیه السلام قرار گرفتند (ن.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲، ۵۰۱) و بر مبنای روایت «أَنَّ أَوْصِيَاءَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ علیهم السلام مُحَدَّثُونَ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۲۷۰)، و محدثه کسی است که «تُحَدِّثُهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَفِيهِمْ جَبْرِئِيلُ علیه السلام مِنْ غَيْرِ مَعَايِنَةٍ» (طریحی، ۱۳۷۵: ۲، ۲۴۵)، لذا حضرت زینب علیها السلام محدثه است و این محدثیت، که

۱. اگرچه نزد علما، اصل، عدم اعتبار مراسیل است، لکن مواردی استثناء شده است که شهرت عملی یا روایی و موافقت روایت مرسل با کتاب و سنت از آن جمله است (ربانی، ۱۳۸۹: ۲۱۲ و ۲۲۱). شیخ طبرسی خود در مقدمه کتاب الاحتجاج، اجماع بر وجود اخبار، موافقت با عقل و شهرت اخباری که آن‌ها را به صورت مرسل نقل کرده است، به عنوان دلیل این ارسال بیان می‌کند (ن.ک: طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۴، ۱). لذا روایت منقول طبرسی به جهت شهرت روایی و موافقت با کتاب و سنت مورد پذیرش علما قرار گرفته است.

مرتبه‌ای از مراتب وصایت بالغه‌ی محمدیه است، دلالت بر عصمت ایشان، در مراتب پایین‌تر از مرتبه‌ی ولایت مطلقه، دارد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۹-۶۰). دلیل دیگری که علامه سنقری با ذکر روایتی نادر، بر عصمت حضرت زینب علیها السلام اقامه می‌کند، «اختلاف محل ولادت» ایشان با سایر انسان‌هاست و اینکه آن حضرت از ران چپ مادر متولد گردیده‌اند (همان). متن این روایت عبارت است از: «وَلَدَتِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مِنْ فَخْذِهَا الْأَيْمَنِ وَأُمِّ كُلْثُومٍ وَزَيْنَبٍ مِنْ فَخْذِهَا الْأَيْسَرِ» (خصیبی، ۱۴۱۹: ۱۸۰). در نقد و بررسی این روایت لازم به ذکر است؛ این روایت مرسل است و سندی برای آن ذکر نشده است و از جهت متن با امهات مصادر حدیث معتبر شیعه مغایرت دارد؛ چه اینکه روایات معتبر زیادی بر «ولادت معصومین علیهم السلام از بطون امهات» (ن.ک: صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۱؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۳۸۶؛ البحرانی، ۱۴۱۳: ۶، ۱۸۵؛ عاملی، ۱۳۸۰: ۲۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵، ۴۳؛ قمی، ۱۴۲۹: ۱۵۳) اشاره دارند. دلیل دیگری که علامه سنقری بر عصمت زینب کبری علیها السلام بیان می‌کند، ترجیح آن حضرت در عبادات، ریاضت‌ها، مقام رضا و تسلیم و شدت مجاهدت‌ها، بر حضرت مریم علیها السلام است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۰-۶۱) که با توجه به اینکه در این دعوی ارجحیت، صراحتاً به ادله‌ی عقلی و نقلی خاصی استناد نمی‌کند، این دلیل اقامه شده وجه علمی ندارد. یکی دیگر از شواهد عصمت حضرت زینب علیها السلام، تصرف و نفوذ قدرت ایشان در جمادات است؛ چنانکه در روایات آمده است: قبل از شروع خطبه در کوفه، وقتی آن حضرت به مردم اشاره کردند که سکوت کنند، همه‌ی نفس‌ها حبس و جرس‌ها (زنگ‌هایی که برگردن چهارپایان آویزان می‌کنند)، ساکن و ساکت شدند (طبرسی، ۱۴۰۴: ۲، ۳۰۴). دلیل دیگر عصمت زینب کبری علیها السلام کمال قدرت ایشان در انشاء جوامع کلم و معالم احتجاجات در خطب صادره، از جهت جامعیت در فصاحت و بلاغت و تالی کلام معصوم علیها السلام است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۲). و اما حفظ امام سجاد علیها السلام و به تبع آن حفظ عوالم امکان، شاهی دیگر بر عصمت حضرت زینب علیها السلام است؛ چه اینکه در روایتی مسند و معتبر آمده است: حضرت زین العابدین علیه السلام با دیدن بدن‌های مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام و دیگر شهدا نزدیک بود جان از بدنشان مفارقت کند (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۱)،



زینب کبری علیها السلام با ذکر روایت ام ایمن^۱ ایشان را تسلیت دادند. ناگفته نماند که منظور از عصمت درباره‌ی حضرت زینب علیها السلام عصمت مصطلح که مختص چهارده معصوم علیهم السلام است، نمی باشد لکن در رتبه‌ای پایین‌تر از مقام ولایت، بالاترین مرتبه از مراتب عصمت به ایشان اختصاص دارد (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۹)؛ چنانکه از القاب ایشان، عصمت صغری است (محلاتی، ۱۳۶۸-۱۳۷۰: ۳، ۴۶).

۳-۱-۱-۲. اثبات غیرت الهی

غیرت در لغت به معنای حمیت، تعصب و محافظت عصمت و ناموس و نگهداری عزت و شرف (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳، ۴۰۱) آمده است و از صفات نفس است که نسبت دادن آن به خداوند متعال، اگر آثار آن اراده شود، جایز است؛ از این جهت آثار غیرت در ساحت خداوند متعال در حد اعلاست. علامه سنقری برای اثبات غیرت الهی به سه حدیث استناد می‌کند. در حدیث اول که از جهت ارزیابی سندی صحیح است آمده است که پیغمبر اکرم فرمودند: «... إِنَّ سَعْدًا لَغَيُورٌ، وَإِنِّي لِأَغِيرُ مِنْ سَعْدٍ، وَاللَّهِ أَغِيرُ مَتَا» (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲، ۲۰۵) و در آن به اینکه خداوند متعال از همه مخلوقات خود غیورتر است اشاره می‌شود. حدیث دوم که آن نیز از جهت ارزیابی سندی صحیح است، مشتمل است بر داستان هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام که ذیل آیه «...إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيِّدِينَ» (صفات، ۹۹) آمده، و طی آن به غیرت الهی اشاره شده است. در این روایت نقل شده: پس از نجات حضرت ابراهیم از آتش نمرود و تبعید ایشان به شام، وقتی که پادشاه قبطیان «عرارة»، به سوی ساره، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام دست دراز کرد، دستش خشک شد؛ لذا حضرت ابراهیم با اشاره به غیور بودن خداوند متعال فرمودند: «...إِنَّ إِلَهِي غَيُورٌ يَكْرَهُ الْحَرَامَ وَهُوَ الَّذِي حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَا أَرَدْتَ مِنَ الْحَرَامِ...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۸، ۳۷۰-۳۷۳). حدیث سوم به طرق مختلفی در منابع عامه، مثل صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۱۰: ۵) و صحیح مسلم (مسلم،

۱. امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: وقتی عمه ام زینب علیها السلام با اشاره به عهدهی بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و جد و پدر و عمویم، من را تسلیت داد از ایشان درباره آن خبر پرسیدم: «...فَقَالَتْ نَعَمْ حَدَّثَنِي أُمُّ أَيُّمَنَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ علیها السلام فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۰-۲۶۶).



۱۴۱۲: ۱، ۱۳۹) نقل شده است و در ابتدای آن به تردید رسول اکرم صلی الله علیه و آله در نزول وحی و ترس از دیوانگی اشاره شده است (عربی، ۱۳۸۳: ۱، ۳۱۶) که حضرت خدیجه علیها السلام به توصیه‌ی ورقة بن نوفل، با کشف رأس و غیب شدن جبرائیل، واقعی بودن نزول وحی و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله را اثبات می‌نماید (طبری، ۱۳۸۷: ۲، ۳۰۲). روایاتی که متضمن نقل این داستان هستند، علاوه بر ضعف سندی با یکدیگر تعارض دارند، و مضمون آن‌ها بر جعل و تحریف عمدی برای کاستن از کرامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عادی جلوه دادن ایشان، برای توجیه خلافت غیر معصومین و... دلالت می‌کند (ن.ک: عاملی، ۱۴۲۶: ۲، ۲۸۸-۳۱۳) چه اینکه آیات قرآن بر اطمینان قلبی رسول اکرم صلی الله علیه و آله دلالت می‌کند و مسلماً خداوند متعال کسی را که برای دریافت سرائی آماده نباشد برای پیامبری انتخاب نمی‌کند (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

نتیجه بحث: با توجه به دلایلی که در مقدمه‌ی اول پیرامون اثبات عصمت حضرت زینب کبری علیها السلام بیان شد، عصمت ایشان در مرتبه‌ای پایین‌تر از مراتب ولایت ثابت می‌شود؛ نیز در مقدمه‌ی دوم بر مبنای روایات اقامه شده، غیرت الهی به عنوان صفتی که آثار آن نسبت به ذات احدیت اراده می‌شود، ثابت می‌گردد و در نتیجه این دو مقدمه از نظر علامه سنقری، بر خداوند متعال که غیورترین وجود در عالم است؛ تمکین نگاه اجانب بر حرمی که، آن‌ها را از هرگونه رجس و پلیدی پاک کرده و آن‌ها را مقام عصمت داده است، در حالی که رأس و وجهشان حجابی ندارد، روانیست و چنین نسبتی به حرم الله و الرسول صلی الله علیه و آله عادتاً محال است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۷۰-۷۳)؛ چطور ممکن است خداوند متعال بر همسر حضرت ابراهیم علیه السلام غیرت کند ولی بر ناموس امیرالمومنین علیه السلام نه؟

۳-۱-۲. تعارض با حکمت الهی

اگرچه جهان مادی در مجموع نظام احسن و خیر است لکن وجود شر لازمه‌ی آن است چرا که به گفته ابن سینا: «آفات و شروری که عارض اشیای طبیعی می‌شود، ضروری عالم ماده و طبیعی است... عالم ماده نمی‌تواند خیر محض را بپذیرد» (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۶۲)



و به جهت مادی و طبیعی بودن، جای تزاخم و تضاد است و امکان ندارد قوانین آن به گونه‌ی دیگری باشد و اگر امکان داشت، خداوند حکیم، عالم، قادر و خیرخواه مطلق، خلق می‌کرد (ن.ک: محمد رضایی، ۱۳۸۴: ۳۰). به تبع همین امر، امکان انجام اعمالی که منجر به ظلم می‌شود برای ظالم وجود دارد؛ از روی غرض عقلی و فایده و حکمتی است که با عدل الهی موافقت دارد؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم، ۴۱). با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد؛ شهادت امام حسین علیه السلام، سوختن و غارت خیمه‌ها و اسارت آل الله علیه السلام، اگرچه از هرچه بتوان تصور کرد عظیم‌تر است، لکن بر آن فایده‌هایی بی حد مترتب بوده است که همانا حفظ دین و شرع سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و اتمام حجت بر امت از جمله‌ی آن‌ها است؛ ولی بر بیشتر از آن، یعنی گشادگی رو و کشف موی مخدرات، حکمت، فایده و غرضی متصور نیست و تمکین اینگونه اذیت‌ها، لغو و عبث می‌باشد و بر آن هیچ مصلحت پنهان و آشکاری شمول ندارد (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۶). و دیدن کشف رأس مخدرات از جانب امام زین العابدین علیه السلام، که کاملترین شخص عالم و داناترین آن‌ها به حسن و قبح امور است، و در عین حال امضای آن محال است چرا که شرع، قبیح ذاتی را تأیید نمی‌کند (همان، ۷۹).

۲-۳. ادله‌ی نقلی^۱ نافی کشف رأس از بنات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

۱-۲-۳. آمادگی اهل حرم قبل از حمله و غارت خیمه‌ها

با تأمل در اخبار رسیده پیرامون وداع امام حسین علیه السلام و وقایع شام عاشورا، شواهدی به دست می‌آید که آل الله علیه السلام قبل از غارت خیمه‌ها، برای این امر آماده بوده‌اند؛ چه اینکه بنا بر نقل شیخ مفید، امام حسین علیه السلام به یارانشان فرمودند: «... أَنْ يُقَرَّبَ بَعْضُهُمْ بُيُوتَهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَأَنْ يُدْخِلُوا الْأَطْنَابَ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ وَأَنْ يَكُونُوا بَيْنَ الْبُيُوتِ ...» (مفید، ۱۴۱۳: ۲، ۹۴).

۱. در ارزیابی روایات با استفاده از ادله‌ی نقلی در نقد الحدیث، غالباً تعارض یا عدم تعارض روایات، با قرآن، سنت (احادیث قابل اعتماد)، سیره و روش معصومین علیه السلام و شأن معصوم علیه السلام مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد (ن.ک: فتح اللهی، ۱۳۹۴: ۴۸-۴۹) که در این قسمت بحث از آن‌ها بهره می‌گیریم.

این نقل، برپیش بینی حمله ی لشکر دشمن بر خیمه ها و آماده سازی اهل حرم برای این امر دلالت می کند و در بررسی سندی، این روایت، به جهت اینکه منقول از ابومخنف است و او نیز از حارث بن کعب و ابوالضحاک از علی بن الحسین علیه السلام نقل کرده است (طبری، ۱۳۸۷: ۵، ۴۲۰)، مُسند و قابل استناد می باشد.

شاهد دیگر برآمدگی اهل حرم قبل از غارت، روایتی است که در دنباله ی روایت حضرت زینب علیه السلام از ام ایمن آمده است که حضرت زینب علیه السلام هنگام مواجهه ی امام سجاد علیه السلام با ابدان مطهر شهداء برای ایشان روایت کردند (ن.ک: ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۵-۲۶۶) و طی آن امیر المؤمنین علیه السلام لحظاتی قبل از شهادت از اسارت زینب کبری علیه السلام و دختران اهل او اشاره کرده و ایشان را توصیه به صبر می نماید. در بررسی سندی این روایت دانسته شد؛ ابن قولویه قمی روایت خود را به صورت مسند با ذکر تمام حلقه های آن آورده است و روایان این سلسله عبارتند از: «جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوَيْهِ»: امامی و ثقة جلیل (حلی، ۱۴۰۲: ۳۱)، «عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ»: که در کتب رجالی صرفاً به کوفی بودن او اشاره شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۲)، «سَعِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ»، «مُحَمَّدُ بْنُ سَلَامٍ»، «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيُّ» و «عِيسَى بْنُ أَبِي شَيْبَةَ»: که در کتب رجالی از آن ها مدح و ذمی یافت نشد، «نُوحُ بْنُ دَرَّاجٍ»: امامی صحیح المذهب (حلی، ۱۴۰۲: ۳۴)، «قُدَامَةُ بْنُ زَائِدَةَ»: از اصحاب امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۲۷: ۲۷۲) و ثقة (ابن حبان، ۱۳۹۳-۱۳۹۵: ۷، ۳۴۰) و پدر او «زَائِدَةُ بْنُ قُدَامَةَ»: که از او به عنوان اصحاب امام باقر علیه السلام (طوسی، ۱۴۲۷: ۱۳۶) و ثقة و صدوق (ابن عدیم، بی تا: ۸، ۳۷۳۶) یاد شده است. با توجه به آنچه در بررسی راویان این روایت بیان گردید، در ارزیابی کلی، این روایت از حیث اتصال، «مسند» و از نظر سند، ضعیف مهمل محسوب می شود؛ چه اینکه چهار راوی از راویان این حدیث در کتب رجالی مدح و ذمی وارد نشده است. با این حال چون کامل الزیارات از اصول معتبر و مشهور میان فقهای شیعه است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱، ۲۷) و ابن قولویه همه ی راویان آن را توثیق کرده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴)؛ دانشمندان شیعه به روایاتی که در سلسله سندهای کامل الزیارات آمده اعتماد کرده اند (پاک نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۷)؛ اگرچه در کتب رجالی نامی



از آن‌ها نباشد. به همین جهت روایات منقول از شیخ مفید و ابن قولویه، قابل استناد می‌باشند و با استناد به آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت؛ اهل بیت امام حسین علیه السلام از قبل مهیای حمله‌ی دشمن به خیمه‌ها بوده‌اند.

۳-۲-۲. هیبت و ابهت زینب کبری علیه السلام

دلیل نقلی دیگری که علامه سنقری برنقی کشف رأس مخدرات اقامه کرده است، ابهت نورانی و الهی زینب کبری علیه السلام و مخدرات حرم امام حسین علیه السلام است که در روایات مختلفی به آن اشاره شده است. در این قسمت از بحث این روایت‌ها را نقل و سپس به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم. از جمله این اخبار، نقلی است که به اضطراب و لرزیدن بدن عمر سعد بر اثر صیحه و بکاء زنان حرم، هنگام حمله به خیمه زین العابدین علیه السلام اشاره دارد (طریحی، ۱۴۲۴: ۴۵۶). این نقل طریحی ضعیف السند است؛ چه اینکه سلسله سندی برای آن ذکر نشده و در منابع متقدم اثری از آن نیست.

نقل دیگر، مربوط به حرکت کاروان حسینی از کربلا به سمت کوفه و سوار شدن اهل بیت امام حسین علیه السلام بر ناقه‌هاست که حضرت زینب علیه السلام خطاب به عمر سعد فرمود: «... سَوِّدَ اللهُ وَجْهَهُ یا ابنِ سَعْد! فی الدُّنْیا وِ الْآخِرَةِ. تَأْمُرُهُؤُلَاءِ الْقَوْمُ بِأَنْ یَّرْکَبُونَا، وَنَحْنُ وَدَائِعُ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقُلْ لَهُمْ: یَتَّبِعُادُونَ عَنَّا حَتَّى یَرْکَبَ بَعْضُنَا بَعْضًا...» (شیروانی، ۱۴۱۵: ۲، ۶۲۹) و بر اثر این نهیب، عمر سعد به لشکریان خود دستور داد: «... فَتَنَحَّوْا عَنْهُمْ...» (همان) (...). آن‌ها را رها کنید (...). ملا آقای دربندی سند این خبر را اینگونه بیان می‌دارد: «... فهذه الرواية قد حدَّثني بها بعض الثقات الأدباء الشعراء من تلامذتي من العرب...» (همان، ۶۲۷). با توجه به نحوه‌ی استناد روایت مذکور که اشاره دارد به اینکه، فاضل دربندی آن را از بعضی از شاگردانش روایت کرده که آن‌ها هم در مجموعه‌ای که منسوب به روضه خوانی بوده است دیده‌اند که در آن از عبدالله بن سنان و او از پدرش و از جدش که قاصد کوفه بوده است نقل شده است؛ نشانه‌ی جعلی بودن آن است (ن.ک: نوری، ۱۴۲۰: ۲۶۳-۲۶۴). علاوه بر این ابتدای روایت نیز به خروج امام حسین علیه السلام و اهل بیتشان از مدینه، به هیبت ملوک و پادشاهان اشاره دارد که با سیره‌ی اهل بیت علیه السلام مبیانت دارد (همان).

از جمله شواهد دیگر بر عظمت و مهابت زینب کبری علیه السلام، تصرف آن حضرت بر

قلوب و ساکت شدن هزاران نفر هنگام خواندن خطبه‌ی سراسر، سرزنش و توبیخ قاتلین سیدالشهداء علیه السلام در کوفه است (ن.ک: طبرسی، ۱۴۰۳: ۲، ۳۰۵). اگرچه شیخ طبرسی این روایت را به صورت مرسل نقل کرده است؛ لکن به جهت ثقه بودن ایشان از منظر علما، اجماع بر وجود این خبر نزد ثقات و مقبولیت آن نزد ایشان؛ این روایت قابل استناد است. روایت دیگری که دال بر شوکت حضرت زینب علیه السلام در مقابل دشمنان است، سخن ایشان در دارالاماره کوفه، بعد از سخن جبرگرایانه ابن زیاد: «کیف رأیت صنع الله بأخیک وأهل بیتک؟» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵، ۱۲۲) است که خطاب به او فرمود: «ما رأیت إلا جمیلاً... ثکلتک أمک یا ابن مرجانه!» (همان) ای پسر مرجانه! مادرت به عزایت بنشیند. در برخی منابع آمده است حضرت او را با عبارات «... یا عدو الله! یا ابن الدعی!...» مورد خطاب قرار داد (شیروانی، ۱۴۱۵: ۳، ۳۴۶). این روایت را ابن اعثم بدون ذکر سلسله سند آورده است ولی با تطبیق آن با منابع قبل از الفتوح، دانسته می‌شود که غالب متن روایت، منقول از ابومخنف است و به جهت اینکه شیوه تاریخ نویسی ابن اعثم ترکیبی^۱ بوده است، جزئیاتی به نقل ابومخنف افزوده است. با توجه به استفاده‌ی ابن اعثم از نقل‌های فریقین و ارائه گزارش بی طرفانه‌ی تاریخ عاشورا، نقل‌های او در جایگاه اعتبار قرار گرفته است (رحمان ستایش، ۱۳۸۹: ۸۷-۸۸) و این روایت نیز به جهت شهرت روایی و عدم تعارض با ادله‌ی عقلی و نقلی قابل استناد است.

نقل دیگر، روایت سهل بن سعد، هنگام مواجهه‌ی با آن حضرت در شام است (بهبهانی، ۱۴۰۸: ۵، ۸۳) و طبق این نقل، حضرت بر سهل، صیحه‌ای زد و او بر اثر آن بیهوش شد. چنین نهمی از جانب زینب کبری علیه السلام و به تبع آن چنان اثری، نسبت به مردی از شیعیان نیز در تاریخ ثبت شده است^۲ (همان، ۴۶-۴۷). این روایت را بهبهانی از نسخه‌ی کتابی مجعول که به ابومخنف نسبت داده شده است (اسفندیاری، ۱۳۹۱: ۴۲) نقل کرده؛ به همین دلیل از درجه‌ی اعتبار ساقط است.

شاهد دیگر بر هیبت و شوکت زینب کبری علیه السلام کلامی است در مقابل یزید از آن

۱. در شیوه ترکیبی، مورخ روایات گوناگون را با هم ترکیب می‌کند و در قالب یک روایت نقل می‌کند.

۲. این روایت راجع به فرد دیگری غیر از سهل ساعدی آمده است.



بانوی مکرمه صادر شد (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲، ۳۰۸) و طی آن به سنت املاء و استدراج الهی و جنایات هند، جده‌ی یزید، در جنگ احد اشاره می‌کند و قوت قلبی در زینب کبری علیها السلام به قدری است که در این فقرات، یزید را کوچک و ذلیل می‌شمارد و می‌فرماید: «... وَ مَا اسْتِصْغَارِي قَدْرَكَ وَلَا اسْتِعْظَامِي تَقْرِيعَكَ تَوْهُمًا لِانْتِجَاعِ الْخِطَابِ فِيكَ...» (همان، ۳۰۹). قطع نظر از فصاحت و بلاغت این خطبه، اینکه یزید، با شنیدن سخنان حضرت زینب علیها السلام، که به کفراو، پدر، اجداد و پیروانش و خبر دادن از نابودی سلطنتش، اشاره داشت، نتوانست سخنان آن حضرت را قطع کند و با تمام شقاوت و طغیانگری که داشت، نتوانست دستور قتل آن حضرت را صادر کند؛ نشانه‌ی تأثیر هیبت و سطوت الهیه‌ی زینب کبری علیها السلام بر اوست (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۵۴-۱۶۵).

با توجه به نقد و بررسی روایاتی که علامه سنقری به آن‌ها احتجاج کرده است و با ملاحظه‌ی عدم اعتبار برخی از روایات مورد استناد ایشان؛ با این حال با شواهد و اخبار ارائه شده‌ی دیگر، که اعتبارشان مورد پذیرش عالمان مقتل و تاریخ عاشورا قرار گرفته است؛ ثابت می‌شود که جذبه، شوکت، حشمت و عظمت این بانوی مکرمه، مانع از کشف رأس مخدرات حرم امام حسین علیه السلام بوده است.

۳-۲-۳. کجاوه‌های آل الله علیه السلام روپوش داشته است

از دیگر ادله‌ی نافی کشف رأس حرم آل الله علیه السلام، این است که آنان اگرچه در بند اسارت بودند لکن با توجه به عظمت و ابهت الهی که داشتند حریمشان حفظ گردید. علامه سنقری به عنوان مقدمه این دلیل، به فرازی از خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام در کوفه اشاره کرده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲، ۳۰۵). که طی آن اشاره دارد به اینکه امام سجاد علیه السلام بعد از خطبه زینب کبری علیها السلام از مرکب فرود آمدند و خیمه‌ها را برپا کردند، سپس مخدرات را پیاده نمودند و آن‌ها داخل خیمه شدند. این نقل دلالت می‌کند بر اینکه، اساساً جلالت و حرمت آل الله علیه السلام برجا بوده است. علامه سنقری بعد از این مقدمه به اخباری می‌پردازد که به روپوش داشتن کجاوه‌های پیام آوران کربلا اشاره دارد. در این شواهد، روایتی مشتمل



بر خطبه‌ی ام کلثوم علیها السلام، هنگام ورود به کوفه آمده است: «... وَ خَطَبْتُ أُمَّ كُثُومٍ بِنْتُ عَلِيٍّ علیها السلام فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ وَرَاءِ كِلْتَاهَا...» (سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۴) که به خطبه خواندن آن حضرت از پشت پرده‌ی کجاوه اشاره دارد. شاهد دیگر بر این مدعی نقل دینوری در اخبار الطوال است که می‌نویسد: «... وَأَمْرُ عَمْرِ بْنِ سَعْدٍ بِحَمْلِ نِسَاءِ الْحُسَيْنِ، وَ... فِي الْمَحَامِلِ الْمَسْتَوْرَةِ عَلَى الْإِبِلِ...» (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۹؛ عنه ابن عدیم، بی‌تا: ۶، ۲۶۳۰؛ سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۴) و صراحتاً بر مستور بودن محملها اشاره دارد. این روایات شاهی است بر این مدعی که خداوند متعال که راضی نمی‌شود کجاوه‌ی زنان بدون پوشش در منظر دشمنان قرار بگیرد، چگونه به کشف رؤس و نشر شعور آنان راضی خواهد شد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۶۵-۱۶۸). ناگفته نماند آنچه مشهور است که بازماندگان کربلا بر ناقه‌ی عریان طی مسیر کرده‌اند مستند به روایاتی است مرسل، که در منابع متقدمی چون فتوح ابن اعثم (ن.ک: ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵، ۱۲۷) و لهوف سید بن طاووس (ن.ک: سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۴۲) نیز آمده است و محدث قمی آن را مطابق با مقاتل معتبر دانسته است (ن.ک: قمی، ۱۴۲۲: ۱، ۷۲۹). وجه جمع بین روایات مورد استشهاد علامه سنقری و نقل مشهور، که هر دو دسته در یک سطح از جهت اعتبار قرار دارند، این است که: اگرچه مخدرات حرم آل الله علیهم السلام مستور بوده‌اند، لکن برخی از محمل‌های دختران صغیر و کنیزان بی‌پرده بوده است (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۷۰)؛ ولذا دسته‌ی اول روایات به مستور بودن محمل مخدرات و دسته‌ی دوم به بی‌پوشش بودن محمل اطفال صغار و جواری اشاره دارد.

سال نوزدهم، شماره ۱۷۲، پاییز ۱۳۸۱

۴. نتیجه‌گیری

۱. نقل‌هایی که درباره کشف حجاب بنات رسول الله در منابع تاریخی و مقاتل آمده است، غالباً از نظر سندی ضعیف و غیر قابل استناد هستند. کما اینکه از روایت منقول

۱. علامه سنقری در کتاب خود این نقل را درباره خطبه فاطمه صغری علیها السلام آورده است؛ ولی با تتبع در منابع این نقل راجع به خطبه ام کلثوم علیها السلام آمده است (ن.ک: سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۴؛ عنه: حائری، ۱۴۱۸: ۲، ۳۵۹-۳۶۰؛ و المجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵، ۱۱۲؛ البهبهانی، ۱۴۰۸: ۵، ۴۱؛ القمی، ۱۳۷۹: ۳۶۳؛ الأمین، ۱۴۰۳: ۳، ۴۸۵ و...).

- حضرت زینب علیها السلام، که در مقتل جعلی و منسوب به ابومخنف آمده است، در منابع متقدم و معتبر خبری نیست.
۲. روایت شیخ صدوق از فاطمه بنت الحسین علیها السلام، از حیث اتصال، «موقوف» و از نظر سند، ضعیف مهمل است.
۳. روایت حمید بن مسلم: «... لَقَدْ كُنْتُ أَرَى الْمَرْأَةَ ... تُنَازِعُ ثَوْبَهَا عَنْ ظَهْرِهَا حَتَّى تُغْلِبَ عَلَيْهِ ...» ضعیف به شمار می رود.
۴. روایت علامه مجلسی از فاطمه صغری علیها السلام: «... فَإِذَا بِرَجُلٍ ... قَدْ تَبَعَنِي ... فَخَرَمَ أُذُنِي وَأَخَذَ قُرْطِي وَمَقْنَعَتِي ...» مجهول است و مدرک و سندی ندارد.
۵. نقل طریحی درباره ی ورود زینب کبری علیها السلام به دارالاماره ی کوفه: «... تستر وجهها بكمها لأن قناعها أخذ منها ...» مجهول و بدون مدرک و سند است و با روایت دیگران: «... حتی رأينا الدم يخرج من تحت قناعها ...» که به قناع داشتن زینب کبری علیها السلام هنگام ورود به کوفه اشاره دارد، متعارض است.
۶. روایت سید بن طاووس از حضرت ام کلثوم علیها السلام هنگام ورود به شام: «... فَقَدْ خَرِينَا مِنْ كَثَرَةِ النَّظَرِ إِلَيْنَا وَنَحْنُ فِي هَذِهِ الْحَالِ ...» ضعیف مهمل است.
۷. روایت شیخ صدوق از حاجب عبید الله بن زیاد: «... فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أَذْخَلَ بِالنِّسَاءِ وَالسَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ ...» از حیث اتصال، مُسند است ولی از حیث سند، به جهت مجهول بودن دو راوی آخران، ضعیف مهمل است.
۸. برپایه ی ادله ی عقلی، برخداوند متعال که غیورترین وجود در عالم است؛ تمکین نگاه اجانب بر حرمی که، آن ها را از هرگونه رجس و پلیدی پاک کرده و آن ها را مقام عصمت داده است، در حالی که رأس و وجهشان حجابی ندارد، روا نیست.
۹. شهادت امام حسین علیها السلام، سوختن و غارت خیمه ها و اسارت آل الله علیها السلام، اگرچه از هرچه بتوان تصور کرد عظیم تر است، لکن بر آن فایده هایی بی حد مترتب بوده است، ولی به هیچ وجه بر بیشتر از آن، یعنی گشادگی رو و کشف موی مخدرات، حکمت، فایده و غرضی متصور نیست و تمکین اینگونه اذیت ها، لغو و عبث می باشد و بر آن هیچ مصلحت پنهان و آشکاری شمول ندارد.
۱۰. براساس ادله ی نقلی: آمادگی اهل حرم قبل از حمله و غارت خیمه ها، ممانعت

هیبت و ابهت زینب کبری علیها السلام از بردن حجاب های ضروری اهل حرم و روپوش داشتن کجاوه های آل الله علیهم السلام، نافى چهره گشایی از اهل حرم امام حسین علیه السلام است.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفکر.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ش)، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد، (۱۴۱۱ق)، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، ط اولی، بیروت، دار الأضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، (۱۴۰۰ق)، أمالی الصدوق، بیروت، انتشارات أعلمی.
- (۱۳۸۷ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.
- (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران انتشارات اسلامیه.
- ابن حبان، محمد، (۱۳۹۳-۱۳۹۵ق)، الثقات، بیروت، مؤسسة الكتب الثقافية.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۳۲۵ق)، تهذیب التهذیب، بیروت، دار صادر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۴۰۴ق)، التعليقات، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابیطالب، قم، انتشارات علامه.
- ابن عذیم، عمر بن احمد، (بی تا)، بغیة الطلب فی تاریخ الحلب، بیروت، دار الفکر.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ق)، کامل الزیارات، نجف، انتشارات مرتضوی.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ق)، المزار الكبير، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- أبو مخنف، لوط بن یحیی، (بی تا)، مقتل أبي مخنف (المشهور)، طهران، انتشارات أعلمی.
- (۱۳۸۰ش)، مقتل ابی مخنف، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، کفایة الاصول، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفة الأئمة، تبریز، کتابفروشی بنی هاشمی.
- اسفندیاری، محمد، (۱۳۹۱ش)، کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، قم، صحیفه خرد.
- البحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۳ق)، مدینه المعاجز: الأئمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ق)، صحیح البخاری، قاهره، وزارة الاوقاف.
- بهبهانی، محمد باقر بن عبدالکریم، (۱۴۰۸ق)، الدمعة الساکبة فی أحوال النبی صلی الله علیه و آله و العترة الطاهرة، منامه، مکتبه العلوم العامة.

پاک نیا، عبدالکریم، (۱۳۸۷ش)، «آشنایی با منابع دست اول شیعه (۲): کامل الزیارات»، سال دهم، شماره ۱۰۶.

حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۲ق)، رجال العلامة الحلی، قم، انتشارات الشریف الرضی.

خصیبی، حسین بن حمدان، (۱۴۱۹ق)، الهدایة الكبرى، بیروت، مؤسسة البلاغ.

خوارزمی، موفق بن احمد، (۱۳۸۱ق)، مقتل الحسين عليه السلام، قم، انتشارات انوار الهدی.

خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۷۲ش)، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة، بی جا، بی نا.

الدینوری، احمد بن داود، (۱۳۶۸ش)، الاخبار الطوال، قم، منشورات الرضی.

ربانی، محمد حسن، (۱۳۸۹ش)، بررسی اعتبار حدیث مرسل، قم، بوستان کتاب.

رحمان ستایش، محمد کاظم، رفعت، محسن، (۱۳۸۹ش)، «روایات عاشورایی الفتوح ابن اعثم کوفی

در میزان نقد و بررسی»، فصلنامه ی حدیث پژوهی، سال دوم، شماره ۳.

سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵ش)، فروغ ابدیت، تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم ﷺ، قم،

بوستان کتاب.

سنقری حائری، محمد علی، (۱۳۸۱ش)، چهره گشایی دختران امام حسین عليه السلام، قم، انتشارات چاف.

سید بن طاووس، سید علی بن طاووس حسینی حلی، (۱۴۲۲ق)، ترجمه لهوف، مترجم، ابوالحسن میر

ابوطالبی، محقق: فارس تبریزیان، قم، انتشارات دلیل ما.

.....، (۱۳۴۸ش)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، انتشارات جهان.

سید مرتضی، علی بن حسین، (۱۴۱۰ق)، الشافی فی الامامة، تهران، مؤسسة الصادق عليه السلام.

شرف الدین، عبدالحسین، (بی تا)، مؤلفو الشيعة فی صدر الإسلام، بغداد، مكتبة الأندلس.

شیروانی، آغا بن عابد، (۱۴۱۵ق)، إکسیر العبادات فی أسرار الشهادات، کربلا، معلى، العتبة الحسينية

المقدسة، قسم الشؤون الفكرية والثقافية.

صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مكتبة آية الله العظمى

المرعشي النجفي رحمه الله.

طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، انتشارات مرتضی.

طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم والملوک، بیروت، دار التراث.

طریحی، فخرالدین محمد، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، تهران، انتشارات مرتضوی.

.....، (۱۴۲۴ق)، المنتخب للطریحی فی جمع المراثی و الخطب

المشتهرب: الفخری، چاپ اول، بیروت - لبنان، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۷ق)، رجال الطوسی، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم.

مؤسسة النشر الإسلامي.

.....، (۱۴۲۰ق)، فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين و

أصحاب الأصول، قم، مكتبة المحقق الطباطبائي.

.....، (۱۴۱۱ق)، مصباح المتعبد، بیروت، مؤسسه فقه شیعه.

عاملی، سید جعفر مرتضی، (۱۴۲۶ق)، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، قم، دار الحديث.

عاملی، شیخ حر، (۱۳۸۰ش)، الجواهر السنية، تهران، انتشارات دهقان.

عربی، حسین بن علی، (۱۳۸۳ش)، تاریخ تحقیقی اسلام، قم، مؤسسه امام خمینی.

فتح الهی، ابراهیم، (۱۳۹۴ش)، «روش شناسی نقد حدیث (نقد متن محور براساس ادله عقلی)، دو فصلنامه مطالعات روش شناسی دینی، سال دوم، شماره اول.

قاضی طباطبایی، محمد علی، (۱۳۸۳ش)، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

قمی، شیخ عباس، (۱۴۲۹ق)، الأنوار البهية فی تواریخ الحجج الإلهية، قم، المكتبة الحيدرية.

.....، (۱۴۲۲ق)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل (صلوات الله و سلامه عليهم)، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم.

.....، (۱۳۷۹ش)، نفس المهموم في مصيبة سيدنا الحسين المظلوم، قم، المكتبة الحيدرية.

کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ق)، إختيار معرفة الرجال، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

.....، (۱۳۴۸ش)، رجال الكشي، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه.

گروهی از تاریخ پژوهان، زیر نظر مهدی پیشوایی، (۱۳۹۱ش)، تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء علیه السلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

مامقانی، عبدالله، (بی تا)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف، بی نا.

مجلسی، مولی محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تهران، انتشارات اسلامیه.

محلّاتی، ذبیح الله، (۱۳۶۸-۱۳۷۰ش)، ریاحین الشریعة در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، تهران، دار الکتب الإسلامية.

محمد رضایی، محمد، (۱۳۸۴ش)، «مسئله شرور راه حل های آن»، فصلنامه پژوهشهای دینی (نام کنونی: پژوهش های فقهی)، سال اول، شماره سوم.

مسلم، مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، قاهره، دار الحدیث.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.

الموسوی العاملی، محمد بن علی، (بی تا)، مدارک الاحکام، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

نجاشی، أبی العباس أحمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامية.

نمازی، علی، (۱۴۱۴ق)، مستدرکات علم رجال، تهران، مطبعة حيدري.

نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۲۰ق)، لؤلؤ و مرجان؛ معیاری برای سخن و سخنرانی، تحقیق و تعلیق مصطفی درایتی، بی جا، احمد مطهری.